

## نقش صنایع کوچک در توسعه منطقه‌ای

دکتر محمد تقی رضویان\*

ابراهیم رحیمی بلداجی\*\*

## چکیده

نقش و جایگاه صنعت در فرآیند توسعه اقتصادی جوامع مختلف بر همگان واضح است. امروزه در کشورهای مختلف جهان سیاست‌های معطوف به گسترش صنایع کوچک، به سیاست‌های مهم و محوری تبدیل شده است و از این رهگذر پیشرفت صنایع کوچک نقش قابل توجهی در توسعه اجتماعی - اقتصادی این کشورها بازی می‌کند. نکته جالب توجه این است که هر چه یک کشور از نظر اقتصادی در سطح بالاتری قرار داشته باشد، تکیه توسعه صنعتی آن بیشتر بر صنایع کوچک معطوف می‌گردد. واحدهای صنعتی کوچک در تمامی کشورها نقشی اساسی در تامین اشتغال، افزایش تولید ملی، توسعه صادرات و حضور در بازارهای جهانی دارند. این صنایع نسبت بسیار بزرگی را از تعداد بنگاه‌های تولیدی و نسبت قابل ملاحظه‌ای از اشتغال صنعتی و محصولات صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند و زمینه‌های مناسب لازم را برای برقراری ارتباط مؤثر بین تولیدات صنعتی و کشاورزی، جلب سرمایه‌های بخش خصوصی و امکان تنوع و انعطاف در تولیدات صنعتی را فراهم کرده‌اند.

واژگان کلیدی: منطقه، توسعه، توسعه منطقه‌ای، صنعت، صنایع کوچک

## مقدمه

نقش صنایع کوچک و متوسط (SMEs) در فرایند صنعتی شدن و توسعه اقتصادی بر اساس نوع اقتصاد، مرحله‌ای از توسعه اقتصاد و بخش صنعت می‌باشد (http://www.sciencedirect.com). دیگر این اندیشه که متکی بودن به بخش‌های غیر صنعتی می‌تواند ثمربخش و سودمند واقع گردد، در هیچ سری نمی‌جوشد. به طوری که منتقدین و معتقدین به صنعت در اصل داشتن «صنعت» با همدیگر اختلاف و تعارض ندارند و آنچه که بر سر آن اختلاف است، تفاوت میان صنایع «سرمایه طلب» و «کار طلب» می‌باشد. بنابراین امروزه جایگاه صنعت در فرآیند تولید قطعی است؛ و آنچه باید بر آن تأمل و تعقل نمود، نوع و چگونگی انتخاب تکنولوژی است. امروزه در کشورهای مختلف جهان سیاست‌های معطوف به گسترش صنایع کوچک، به سیاست‌های مهم محوری تبدیل شده است و از این رهگذر پیشرفت صنایع کوچک نقش قابل توجهی در توسعه اجتماعی - اقتصادی این کشورها بازی می‌کند. نکته جالب توجه این

\* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری - دانشگاه شهید بهشتی

است که هر چه یک کشور از نظر اقتصادی در سطح بالاتری قرار داشته باشد، تکیه توسعه صنعتی آن بیشتر بر صنایع کوچک معطوف می‌گردد و این مسئله نشان می‌دهد که صنایع کوچک را در جهان امروزی باید به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار در نظر داشت و با سیاست‌گذاری مناسب اقتصادی در جهت پیشرفت و توسعه آن همت‌گمارد (مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، ۱۳۷۲؛ ۱۰۹-۱۲۳). صنایع کوچک به دلیل تکیه بر داده‌ها و منابع محلی و ماهیت کاربر آنها، با توجه به وفور نیروی کار و نیاز به تکنولوژی‌های ساده، مناسب‌ترین گزینه صنعتی محسوب می‌شود. بنابراین گسترش آنها نقش موثری را در توسعه کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. بنابراین با توجه به ظرفیت اشتغال‌زایی آنها از یک سو و گسترش بیکاری در این کشورها از دیگر سو، از مهمترین ارکان توسعه به حساب می‌آیند (تولائی، ۱۳۷۵؛ ۱۰۷). واحدهای تولیدی صنعتی کوچک و متوسط در تمامی کشورها نقش اساسی در ایجاد و توسعه زنجیره‌های تولیدی، تامین اشتغال، افزایش تولید ملی و همچنین توسعه صادرات و حضور در بازارهای جهانی داشته‌اند. آمار و ارقام نشانگر این مطلب است که هم از جهت اشتغال و هم از جهت میزان ارزش افزوده، واحدهای تولیدی کوچک یک پدیده در حال گسترش در اقتصاد جهان می‌باشند (مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، ۱۳۷۲؛ ۱۸۷).

### مفهوم توسعه و توسعه منطقه‌ای

واژه‌ای رایج و هدفی مقبول با مفهومی مبهم. مفهوم جدید واژه توسعه رسماً به سخنرانی شروع دوره ریاست جمهوری ترومن در ایالات متحده آمریکا در روز ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹ باز می‌گردد (صرافی، ۱۳۷۷؛ ۱۹). به طور کلی می‌توان برای توسعه دو دیدگاه بیان کرد که سایر برداشت‌ها در گستره‌ای وسیع در میان این دو قرار می‌گیرند:

یکی دیدگاهی است که توسعه را با مفاهیم و معیارهایی چون رشد تولید ملی، افزایش درآمد، صنعتی شدن، پیشرفت فناوری، مدرنیزه شدن و جز اینها بیان می‌کند و می‌سنجد. دیگری که توسعه را به صورت فرایند گسترش آزادی‌های واقعی بیان می‌کند و معیارش نیز تنها رضایت مردم است. تفاوت این دو دیدگاه توسعه از جنبه معیاری آن است که در یکی به درآمد و ثروت تکیه می‌شود و در دیگری رهایی از نآزادی‌هایی که بازدارنده انسان از دستیابی به دستاوردهای لازم و لذت‌بخش زندگی است، مورد توجه و تاکید قرار می‌گیرد. اما باید اضافه کرد که در این دیدگاه دوم نیز درآمد به عنوان ابزاری برای نیل به اکثر توانمندی‌های مورد علاقه انسان، وزنی سنگین دارد (سن، ۱۳۸۵؛ ۲۱ تا ۲۵). شاید قابل قبول‌ترین تعریف عبارت از روندی فراگیر، در جهت افزایش توانایی‌های انسانی - اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی - اجتماعی، ضمن آنکه نیازها پیوسته در پرتو ارزش‌های فرهنگی جامعه و بینش‌های پایداری جهان، پالایش یابند. این گونه توسعه، نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی در برآوردن نیازهایشان، برآورده می‌کند و توسعه‌ای پایدار است. حال اگر این تعریف از توسعه را برای یک منطقه در نظر بگیریم، توسعه منطقه‌ای تلقی می‌شود. توسعه منطقه‌ای عبارت از مفهوم گفته شده از توسعه برای مردم در محدوده فضایی مورد نظر است. روند توسعه می‌بایست همراه با افزایش توانایی‌ها به گسترش انتخاب‌های ساکنین منطقه در حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بیانجامد تا توسعه‌ای انسانی باشد (صرافی، ۱۳۷۷؛ ۴۰). توسعه منطقه‌ای سه هدف عمده را دنبال می‌کند: تولیدی، اجتماعی و زیست‌شناختی. تلاش توسعه منطقه‌ای بر آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع همه فراهم آورد، تفاوت‌های کیفیت زندگی بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای را به حداقل برساند و نهایتاً از میان بردارد و جهت تامین این دو منظور، بهترین بهره‌گیری ممکن از مواهب طبیعی و استعدادهای انسانی یک منطقه را میسر سازد. (منخب، ۱۳۶۸؛ ۵۵).

در تعریف منطقه باید گفت که علوم و رشته‌های مختلف مانند جغرافیا، معماری، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، علوم اجتماعی، عمران منطقه‌ای و اقتصاد به تعریف و مفهوم و مقیاس واحدی برای منطقه دست نیافته‌اند. در ارتباط با مفهوم منطقه نظریات متعددی ابراز شده است (زیاری، ۱۳۸۳: ۵۹). آنستد «Unstead» از جغرافیدانان معروف برای تعیین منطقه ابتدا، مراکزی را با هدف تعیین مناطق نفوذ آن تعیین می‌کرد؛ سپس با بررسی ویژگی‌های مناطق پیرامون در مرکز، همه مکان‌هایی را که مشخصات همگن و مشابه با ویژگی‌های مرکز داشتند، حوزه نفوذ مرکز مورد بررسی به شمار می‌آورد (رفیعی، ۱۳۶۰: ۱۲). منطقه عبارت است از محدوده جغرافیایی و اجتماعی - اقتصادی که به عنوان واحد سیاسی - اداری یا ترکیبی از آنها با هویت مشخص تعیین می‌گردد. منطقه گاهی در مورد چند کشور، گاهی در مورد بخشی از یک کشور یا حتی در مورد بخشی از یک استان یا شهرستان یا بخش یا دهستان و... به کار برده می‌شود. (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۷). اصولاً مناطق را بر اساس نحوه عملکرد، ارتباط متقابل بین اجزای اقتصادی داخل منطقه و همچنین یکپارچگی فعالیت‌ها، دسته‌بندی می‌نمایند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۷).

### مفهوم صنعت و صنایع کوچک

اصطلاح صنعت مفهومی پیچیده و چند بعدی است که فعالیت‌های بسیار متنوع و مختلفی را در بر می‌گیرد. در زیر این عنوان، پدیده‌های مختلف مربوط به صنایع، مثل مکان‌های اشتغال، مراکز تحقیق و سازندگی، مجتمع دستگاه‌های الکترونیک، صنایع سنگین، کارخانه‌ها و آزمایش‌های هسته‌ای گرد می‌آید (A.B.Gallion & Eisner, 1984). صنعت عبارت است از گروهی از کارگاه‌هایی که بعضی اشیاء را تولید می‌کنند. صنایع بشماره‌ای چون پارچه‌بافی یا ساختن وسایل فنی، همچنان می‌توانند یک عامل صنعتی بزرگ و یا عامل صنعتی کوچک به حساب آیند (سازمان مرکزی تعاون کشور،

مرداد ماه ۱۳۷۵: ۵). این فعالیت معمولاً شامل تولید مواد، تغییر شکل دادن، اتصال قطعات تغییر شکل یافته با یکدیگر به منظور تولید یک قطعه مشخص و در نهایت مونتاژ این قطعات در جهت آماده نمودن تولید نهایی می‌باشد که در نهایت منجر به ارزش افزوده می‌گردد (رحمانی، ۱۳۷۵: ۷).

مفهوم صنایع کوچک در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. مهم است روشن شود که از «کوچک» چه می‌فهمیم و کدام صنعت را «کوچک» می‌پنداریم. مرز صنایع کوچک و صنایع بزرگ یا متوسط به روشنی مشخص نیست. مرزهای تعیین شده در هر کشور به صورت قراردادی است و بستگی تام به شرایط اقتصادی و صنعتی آن کشور دارد. ضابطه‌های تشخیص مرزهای صنایع در کشورهای مختلف، متفاوت است (مشاورین فرهاد، ۱۳۸۱: ۱۱۴). جواهر لعل نهرو صنایع کوچک را صناعی می‌داند که فاقد نیروی کار ماشین بوده و تعداد نیروی انسانی مزدبگیر آن کمتر از ۱۰ نفر باشد. همچنین این صنایع ممکن است دارای مشخصات صنایع روستایی باشند و ماشین‌های صنعتی کمتر از ۱۰ قوه اسب داشته باشند (صنایع کوچک و اقتصاد در حال توسعه هندوستان، ۱۳۶۶: ۱۳). پرفسور شوماخر، استاد دانشگاه گراش اتریش در تئوری پردازی - های خود صنایع کوچک را از دیدگاه کاربرد تکنولوژی حد وسط مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و تعریف صنایع کوچک را در نقش واسطه‌گری تکنولوژیک برای تامین نیازهای مناطق روستایی به نوعی از کالاهای مصرفی که استفاده فوری دارند، منسجم نمود (شوماخر، ۱۳۷۲: ۵۰ - ۵۳). معمولاً در هر کشوری معیار خاصی را برای تعیین اندازه صنایع به کار می‌برند. بیشتر این تعریفها براساس معیارهای کمی مانند تعداد کارکنان و میزان گردش مالی مطرح شده‌اند. مثلاً در ایالات متحده آمریکا، بنگاههایی را که کمتر از ۵۰۰ نفر پرسنل داشته باشند، شرکت کوچک می‌نامند. درحالی که در آلمان شرکت‌هایی را که دارای کمتر از ده نفر پرسنل باشند. کوچک و از ده تا ۴۹۹ نفر را شرکت‌های متوسط محسوب می‌کنند. براساس معیارهای اتحادیه اروپا نیز، صنایع

کوچک و متوسط برحسب تعداد کارکنان و مبلغ گردش سرمایه سالانه تعریف می‌شوند. براین اساس، بنگاهی کوچک یا متوسط نامیده می‌شود که تعداد کارکنان آن کمتر از ۲۵۰ نفر باشد و مبلغ گردش مالی سالانه آن هم از ۴۰ میلیون یورو تجاوز نکند. در آسیا نیز برای طبقه بندی شرکتهای کوچک و متوسط از معیارهای کمی مختلفی استفاده می‌شود که برخی از آنها عبارتند از: تعداد کارکنان، ارزش داراییها، میزان گردش مالی سالانه، میزان سرمایه و... (<http://www.sciencecenter.ir>). در کشور ژاپن متفکرین توسعه صنعتی، تعریف صنایع کوچک را در ایجاد انگیزش برای بسیج استعدادهای خلاق در جهت توسعه صنعتی و حرکت به سوی بازارهای جهانی از یک سو و ساماندهی فن‌آفرینان در پشتیبانی تدارکاتی و قطعات و پژوهش‌های فناوری برای صنایع بزرگ از سوی دیگر در نظر می‌گیرد (صحرائیان، ۲۶؛ ۱۳۸۰). میزان گردش مالی شرکتهای نیز معیار دیگری برای طبقه بندی شرکتهای کوچک و متوسط در آلمان به شمار می‌رود. شرکتهایی که گردش مالی آنها تا ۲۵ میلیون یورو در سال باشد، شرکت متوسط و شرکتهایی که گردش مالی آنها حدود ۲۵۰ هزار یورو باشد، شرکت کوچک به حساب می‌آیند (<http://www.sciencecenter.ir>).

### بررسی مفهوم صنایع کوچک در ایران

در طول دوران برنامه‌ریزی‌های عمرانی کشور (قبل از انقلاب) فقط دو عامل یعنی تعداد شاغلین و کوچکی سرمایه به عنوان معیارهای تعیین‌کننده برای شناخت اندازه کارگاه‌های کوچک تولیدی و شاخص تشخیص آنها از صنایع بزرگ و متوسط مبنای ارائه تعریف برای صنایع کوچ قرار داده است. به طوری که در هیچ یک از تعاریف ارائه شده هیچ‌گونه عامل یا شاخص که بیان‌کننده اهمیت کیفی صنایع کوچک در توسعه اقتصادی کشور باشد، دیده نمی‌شود. این عامل موجب گردیده که نهادهای دولتی هر یک به طور مستقل تعریف جداگانه‌ای از صنایع کوچک ارائه دهند و یک

آشفته‌گی در ادراک تعریفی مفهوم صنایع کوچک ایجاد شود. در دوران برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴-۴۱) به کارگاه‌هایی که دارای تعدا ۲۰ نفر کمتر نیروی کار بودند، صنایع کوچک اطلاق می‌شد و کلیه کارگاه‌هایی که تعداد ۲۰ نفر و بیشتر نیروی کار داشتند، صنایع بزرگ محسوب می‌شدند (وزارت اقتصاد و دارایی، ۱۵؛ ۱۳۷۶). در دوران برنامه چهارم عمرانی (۵۱ - ۱۳۴۷) که ساماندهی صنایع کوچک مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت، معیارهای کمی برای تعریف صنایع کوچک تغییر یافت. در این دوران به آن دسته از کارگاه‌های تولیدی کوچک که دارای ۱۰ نفر نیروی کار و کمتر بود و میزان سرمایه آنان از ۵ میلیون ریال تجاوز نمی‌کرد، صنایع کوچک تلقی می‌گردید. این تعریف جدید از صنایع کوچک در طول برنامه پنجم عمرانی (۵۷ - ۱۳۵۲) نیز همچنان معتبر باقی ماند (فرهنگ، ۲۶؛ ۱۳۵۱).

در دوران بعد از انقلاب کشور فاقد یک برنامه تدوین شده عمرانی و توسعه بود و به همین لحاظ امور صنایع کوچک به صورت غیر متمرکز بین وزارت‌خانه و نهادهای دولتی متعددی تقسیم گردید و در پی آنها هر نهاد تعریف خاصی از صنایع کوچک ارائه داد. از میان تعاریف گوناگون ارگان‌ها و نهادهای مختلف دولتی که برای صنایع کوچک تدوین کرده‌اند، به چند مورد اشاره می‌کنیم: الف) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: این ارگان که نظارت و کنترل اعتبارات ارزی تخصیص یافته واحدهای صنعتی را در اختیار دارد، در سال ۱۳۵۹، در تعریف اختصاصی خود از صنایع کوچک چنین می‌گوید: صنایع کوچک آن دسته از کارگاه‌های تولیدی صنعتی است که دارای ۵۰ نفر نیروی کار و کمتر باشد. اما در دهه ۱۳۷۰ این تعریف تغییر یافت و صنایع کوچک بر واحدهایی اطلاق شد که دارای ۱۰ نفر نیروی کار و کمتر باشد و کلیه کارگاه‌هایی که بیشتر از ۱۰ نفر نیروی کار دارند، در ردیف صنایع بزرگ شناخته می‌شود (وزارت صنایع، ۱۰۴؛ ۱۳۷۶). ب) وزارت جهاد سازندگی: این نهاد که متولی صنایع کوچک روستایی و صنایع تبدیلی است در تعریف اختصاصی خود برای صنایع

کوچک، چهار معیار کمی را در نظر گرفته است: ۱) حداکثر دارای ۵۰ نفر نیروی کار باشد، ۲) حداکثر سرمایه آن ۵۰۰ میلیون ریال باشد، ۳) میزان برق مصرفی آن از ۵۰ کیلووات تجاوز نکند و ۴) سطح زیر بنای کارگاه حداکثر از ۶۰۰ متر مربع فراتر نرود (صحرائیان، ۱۳۸۰؛ ۳۰). در آخرین تعریفی که در زمینه صنایع کوچک روستایی ارائه شده در سال ۱۳۷۴ توسط وزارت جهاد سازندگی می‌باشد: صنایع کوچک روستایی صناعی هستند که متناسب با شرایط جمعیتی، تولیدی، اقلیمی، جغرافیایی و امکانات زیربنای روستاها در قالب صنایع تبدیلی کوچک و دستی در نقاط روستایی قابلیت استقرار دارند و می‌توانند به عنوان مکمل کشاورزی زمینه تبدیل و فرآوری محصولات کشاورزی را فراهم نمایند (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۴؛ ۵). پ وزارت صنایع و معادن: وزارت صنایع که مهمترین ارگان متولی دولتی صنایع در کشور است، در تعریف خود از صنایع کوچک، این صنایع را صناعی اطلاق می‌کند که دارای ۶ تا ۲۹ نفر کارکن هستند (وزارت صنایع، ۱۳۷۶؛ ۱۰۴). ث مرکز آمار ایران: در حال حاضر مرکز آمار ایران در یک تعریف واحد به صناعی که تعدا پرسنل آن زیر ۱۰ نفر باشد، صنایع کوچک می‌نامد و صناعی که پرسنل آن ۱۰ تا ۵۰ نفر باشد، صنایع متوسط و بیش از ۵۰ نفر را صنایع بزرگ تلقی می‌کند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۴؛ ۲۵). ج قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری: بر اساس قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری که مصوب دی ماه سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی است و همین طور چندین مصوبه از هیئت وزیران، صنایع کوچک به آن دسته از صناعی اطلاق می‌شود که تعداد کارکنان آن کمتر از ۵۰ نفر باشد (شفیعی، ۱۳۸۷؛ ۹).

در کل باید گفت که صنایع کوچک درست به مانند کودکی است که هزاران نفر مدعی تولیت آن هستند و هر کس قسمتی از آن را به سوی خود می‌کشد. ادعای تولیت و در پیامد آن تعدد تعاریف صنایع کوچک، عدم شناخت ماهیت صنایع کوچک را به عنوان راهی برای رسیدن به توسعه صنعتی و ایجاد اشتغال و افزایش کیفیت تولیدات با

بهره‌گیری از توانایی‌ها و آموزش نیروی انسانی که منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌گردد، می‌رساند.

### نقش صنایع کوچک در توسعه (منطقه‌ای)

سیاست‌گذاران قادرند که از ابزارهای مختلفی به منظور تغییر وضعیت و موقعیت اقتصادی مناطق خود استفاده نمایند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰؛ ۳۵۹). این سیاست‌ها نوعاً یکی از اهداف زیر را دنبال می‌کنند: کاستن از شکاف میان مناطق، توزیع مجدد یا تغییر الگوی رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در فضا، توسعه مناطق مرز منابع و پخش توسعه در فضا (کلانتری، ۱۳۸۰؛ ۳۴). تقسیم‌بندی کلی سیاست‌ها را می‌توان در دو بخش متفاوت ولی در ارتباط با هم عنوان نمود. این دو بخش عبارتند از: ۱) سیاست‌های کلان و ۲) سیاست‌های خرد. علت این تقسیم‌بندی نیز این است که اکثراً سیاست‌های منطقه‌ای یا به منظور تاثیر در تصمیمات مکان‌یابی بنگاه‌ها و خانوارها طراحی می‌شوند و یا به منظور تغییر در درآمد و مخارج مناطق. بدیهی است که سیاست‌های خرد عمدتاً حیطة شمول مربوط به مبحث تاثیر در تصمیمات مکان‌یابی از طریق تخصیص مجدد نیروی کار و سرمایه در بین صنایع و بین مناطق را داشته و سیاست‌های کلان در جهت تغییر در درآمد و مخارج به کار برده می‌شوند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰؛ ۳۵۹). یکی از اهداف سیاست‌های خرد در مناطق ایجاد انگیزه برای توسعه درون‌زا از طریق بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارتقای سطح تکنولوژی است. متأسفانه تا دهه ۱۹۷۰ دولت‌ها به این امر توجه کافی مبذول نکرده بودند ولی از اوایل دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های منطقه‌ای عمدتاً بر اساس دو بخش توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و استفاده از تکنولوژی‌های جدید بنا گردیده است (همان؛ ۳۵۹). در هر اقتصادی چه پیشرفته و چه در حال توسعه، صنایع کوچک نقش مهمی را ایفا می‌کنند. این صنایع نسبت بسیار بزرگی را از تعداد بنگاه‌های تولیدی و نسبت قابل ملاحظه‌ای از اشتغال صنعتی و

محصولات صنعتی را به خود اختصاص داده است و زمینه های مناسب لازم را برای برقراری ارتباط مؤثر بین تولیدات صنعتی و کشاورزی، جلب سرمایه های بخش خصوصی و امکان تنوع و انعطاف در تولیدات صنعتی را فراهم کرده است و به عنوان زیربنای توسعه تکنولوژیکی کشورها نقش ایفا می کند و در یک کلمه امروز صنعت موتور توسعه اقتصادی است و صنایع کوچک موتور توسعه صنعت محسوب می شود (میر، ۱۳۷۸: ۷۰۹). صنایع کوچک به دلیل تکیه بر داده ها و منابع محلی و ماهیت کاربر آنها، با توجه به وفور نیروی کار و نیاز به تکنولوژی های ساده، مناسب ترین گزینه صنعتی محسوب می شود. بنابراین گسترش آنها نقش موثری را در توسعه کشورهای در حال توسعه ایفا می کند. بنابراین طبق معیارهای سیرز با توجه به ظرفیت اشتغالزایی آنها از یک سو و گسترش بیکاری در این کشورها از دیگر سو، از مهمترین ارکان توسعه به حساب می آیند (تولائی، ۱۳۷۵: ۱۰۷). برخی از محققان معتقدند که محصولات برتر و جدید فردا از بنگاه های کوچک سرچشمه می گیرد و پنج دلیل عمده برای تمرکز سیاست های منطقه ای به نفع بنگاه های کوچک بیان می دارند. این چند دلیل عبارتند از: ۱) بنگاه های کوچک قادرند تعداد زیادی مشاغل جدید ایجاد نمایند. ۲) بنگاه های کوچک قادرند روابط صنعتی را بهبود بخشیده و محیط جذاب تری برای پرسنل شاغل ایجاد کنند. ۳) بنگاه های کوچک به علت ماهیت خود قادرند سرمایه گذاران بیشتری را به طرف خود جلب کنند و پایه های صنعتی منطقه را متنوع تر نمایند. ۴) بنگاه های کوچک قادرند رقابت شدیدی بین خود و بنگاه های بزرگ تر ایجاد کنند و در نتیجه رقابت سالم تری به وجود آورند. ۵) بنگاه های کوچک قادرند شکوفایی ابداعات را تشدید کنند. (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۳۷۶)

## نقش های مهم نه گانه صنایع کوچک در فرآیند توسعه اقتصادی



مآخذ: مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی

کشور، ۱۳۷۲: ۱۳۵

چگونگی نقش صنایع کوچک در فرآیند توسعه:

- ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری
- کاهش فقر
- تمرکز و انباشت سرمایه
- توزیع درآمد و امکانات
- جلوگیری از مهاجرت (مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، ۱۳۷۲؛ ۱۳۵).

### تجربه کشورهای پیش‌گام در صنایع کوچک

امروزه در کشورهای در حال توسعه، صنعتی شدن به مثابه حل کلیه مشکلات اقتصادی مطرح است به طوری که صاحب‌نظران مسائل اقتصادی، آن را مترادف با توسعه‌یافتگی می‌دانند. کشورهای در حال توسعه امیدوارند که از طریق صنعتی شدن بر مشکلات عقب‌ماندگی فنی غلبه کرده و موجبات استفاده کامل از منابع طبیعی، مواد خام، سرمایه و نیروی انسانی را فراهم سازند. پیشرفت‌های سریع کشورهای در حال توسعه نظیر کره جنوبی، تایوان، مالزی، هندوستان، ترکیه، اندونزی و کشورهای صنعتی چون آلمان، ژاپن، آمریکا و دیگر کشورهای پیشرفته گواه این مدعا است که صنایع کوچک در این کشورها به عنوان پایه‌های اساسی رشد و توسعه و دستیابی به صنایع مدرن بوده‌اند به طوری که طبق مطالعات سازمان جهانی کار (ILO 70) درصد از نوآوری‌ها و اختراعات صنعتی، توسط کارآفرینانی به وجود آمده که در واحدهای کوچک مشغول به کار بوده‌اند (تجربیات و راهکارهای عملی توسعه صنایع کوچک و صنایع خود اشتغالی) (در پاره‌ای از کشورهای صنعتی و در حال توسعه) تهیه و تدوین وزارت صنایع - صنایع کوچک))، ایجاد و حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط یکی از اولویتهای اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و

نو توسعه یافته است. بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال، و فراهم کردن بستر مناسب برای نوآوری و افزایش صادرات نقش مهمی دارند. شرکت‌های کوچک از انعطاف پذیری بیشتری برخوردارند و کارآفرینی و خلاقیت بیشتری در آنها صورت می‌پذیرد. شرکت‌های کوچک و متوسط راحت تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریعتر واکنش نشان دهند. بنگاههای کوچک و متوسط عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش نیروی کار ماهر هستند. تامین نیروی انسانی متخصص برای شرکت‌های بزرگ توسط شرکت‌های کوچک و متوسط صورت می‌گیرد (<http://www.sciencecenter.ir>). دلایل اهمیت صنایع کوچک و متوسط در کشورهای توسعه‌یافته عبارتند از: ۱) سهم قابل توجه صنایع کوچک در اقتصاد بر حسب تعداد بنگاه‌ها و کارخانجات، تعداد شاغلین، ارزش محصول. ۲) سهم صنایع کوچک و متوسط در ترکیب مطلوب و بهره‌برداری عوامل تولید (از قبیل: نیروی کار و سرمایه) بواسطه پذیرش تکنولوژی‌های مناسب برای استعدادهای ابتکاری. ۳) سهم (SMEs)ها به عنوان پایه‌های بنگاه‌ها برای صنعتی شدن. ۴) سهم صنایع کوچک و متوسط در توزیع درآمد عادلانه‌تر به عنوان یک نتیجه منطقی در سهم بزرگشان در درآمدهای نیروی کار (Berry and Mazumder, 1991:35). صنایع کوچک و متوسط (SMEs) نقش موثری را در اقتصاد اروپا بازی می‌کنند. آنها یک منبع اصلی در مهارت‌های کارآفرینی، اختراع و اشتغال هستند. در اتحادیه اروپا در ۲۵ کشور، ۲۳ میلیون واحد صنعتی کوچک و متوسط، در حدود ۷۵ میلیون شغل ایجاد کرده‌اند و ۹۹ درصد از کل واحدهای صنعتی را شامل می‌شوند. این صنایع غالباً مشکلاتی را در بدست آوردن سرمایه یا اعتبار بویژه در مرحله راه‌اندازی اولیه کارخانه دارند (<http://ec.europa.eu>).

## اهمیت صنایع کوچک در برخی کشورهای جهان

کشور	اهمیت سیاستگذاری جهت حمایت از صنایع کوچک
۱ آلمان	ایجاد مراکز و پارک‌های تکنولوژی و سازمان‌های متعدد برای حمایت از صنایع کوچک
۲ ژاپن	ایجاد سازمان بزرگ جهت سیاستگذاری در MITI و سازماندهی و قوانین متعدد (متجاوز از ۱۸ سازمان) برای حمایت از صنایع کوچک
۳ اندونزی	سازمان مستقل در وزارت صنایع و ایجاد بخش مستقلی از برنامه ۵ ساله توسعه صنعتی برای صنایع کوچک و تدوین قوانین متعدد برای حمایت از صنایع اقماری
۴ مالزی	ایجاد سازمان‌ها و دفاتر متعدد برای توسعه صنایع کوچک و ایجاد بخش مستقلی در وزارت صنایع و بازرگانی برای حمایت از این صنایع
۵ فیلیپین	تکیه اصلی توسعه صنعتی بر صنایع کوچک است و از آن برای رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای استفاده شده است. برای این منظور بخش مستقلی در وزارت صنایع به صنایع کوچک اختصاص دارد.
۶ هندوستان	ارائه کمک‌های مالی، فنی، تخصصی، توسعه صادرات، بازاریابی، تامین مواد اولیه، کنترل کیفیت و تکنولوژیک به صنایع کوچک از طریق سازمان‌های متعدد دولتی
۷ کره جنوبی	ایجاد قوانین، سازمان‌ها و دفاتر بسیار متعدد برای توسعه همه‌جانبه صنایع کوچک و تدوین ۱۰ مجموعه قانون برای حمایت قانونی از این صنایع
۸ تایلند، بنگلادش، نپال، نیوزیلند، تایوان، هنگ کنگ	در این کشورها سازمان‌های بسیار متعددی برای حمایت از صنایع کوچک وجود دارد. گستردگی سازمان‌های مختلف حمایت از صنایع کوچک آن چنان عمومیت یافته است که در کشورهای مختلف برای ایجاد آنها کمتر به مطالعات و بررسی نیاز بوده است.

مآخذ: مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی

کشور، ۱۳۷۲: ۱۳۷

صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد (از قبیل: نیروی کار و محصول). (۲) حق تقدم معلوم و مسلم حکومت برای صنایع کوچک و متوسط. (۳) نقش بالقوه صنایع کوچک و متوسط در توسعه (pribumi) ذاتی و بومی شده اندونزیی تشکیلات صنعتی. (۴) لزوم تنظیم سیاست‌های مختلف اقتصادی از آنها برای تشکیلات صنعتی بزرگ (LEs) بخاطر ویژگی‌های اختصاصی صنایع کوچک و متوسط از قبیل تراکم بالای فعالیت‌های صنعتی ویژه، فقدان مالکیت بیگانه و فقدان جهت‌گیری صادراتی. (۵) نقش شتاب‌دهندگی صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی شدن و (۶) واکنش و جواب بهتر صنایع کوچک و متوسط در مقابل بحران ۱۹۹۷-۱۹۹۸، نسبت به صنایع بزرگ (Hill, 2001; 248-250).

مقایسه وضعیت صنایع کوچک و متوسط در برخی از کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه (آمار سال ۲۰۰۰ میلادی و قبل از آن است).

درصد صنایع کوچک و متوسط از صادرات غیر مستقیم	درصد صنایع کوچک و متوسط از کل صادرات مستقیم	سهم صنایع کوچک و متوسط از کل ارزش افزوده در صنعت	درصد نیروی انسانی شاغل از کل نیروی شاغل در صنعت	درصد صنایع کوچک و متوسط از کل واحدهای صنعتی	
۱۲٪	۳۵٪	--	۹۵٪	۹۹٪	آپک <sup>۱</sup>
۲۱٪	۶۶٪	۵۵٪	۷۰٪	۹۷٪	تایوان
۷٪	۴۳٪	۵۷٪	۶۲٪	۹۸٪	هنگ کنگ
۹٪	۳۹٪	۴۶٪	۶۶٪	۹۸٪	کره جنوبی
--	۲۰٪	۲۹٪	۴۰٪	۸۱٪	سنگاپور
۱۵٪	۳۵٪	۴۴٫۴٪	۸۸٫۱٪	۳۱٫۲ میلیون	هندوستان
۸۶٫۶٪ از کل صادرات کالاهای صنعتی		۴۹٫۲٪	۹۱٫۱٪	۷۹٪	استرالیا
--	--	۳۱٫۱٪	۷۲٪	--	اندونزی

منابع: (۱) <http://www.jobportal.ir> (۲) <http://www.imi.ir>

۱. سازمان آپک (APEC) شامل دوازده کشور صنعتی و در حال توسعه می‌باشند که عبارتند از: آمریکا، کانادا، ژاپن، استرالیا، چین، کره جنوبی، سنگاپور، مالزی، اندونزی، تایلند، تایوان و فیلیپین که اعضای رسمی پیمان کشورهای حوزه اقیانوس آرام و اطلس مرسوم به آپک می‌باشند.

صنایع کوچک در هندوستان به عنوان یک جریان مهم در اقتصاد کشور تلقی می‌شوند (<http://www.sciencedirect.com>). هیل لیستی از دلایل اهمیت و برجستگی صنایع کوچک و متوسط در اندونزی را بدین شرح گفته است: (۱) سهم قابل توجه



۳) تجربیات و راهکارهای عملی توسعه صنایع کوچک و صنایع خود اشتغالی (در پاره‌ای از کشورهای صنعتی و در حال توسعه) تهیه و تدوین وزارت صنایع - صنایع کوچک)

در مقایسه با دیگر کشورهای آفریقای شرقی، کنیا مهترین کشور صنعتی شده در منطقه است. نایروبی مرکز تجارت و صنایع می‌باشد. نواحی بزرگی از شهر نایروبی به صناعی از قبیل کارخانجات فرآوری مواد غذایی، چرم سازی و فلزکاری صنعتی اختصاص داده شده است. در سال ۱۹۹۱ میلادی یک طبقه‌بندی برای صنایع کشور کنیا بدین شرح ارائه شد: صنایع کوچک (یک الی نه نفر کارکن)، صنایع متوسط (ده الی چهل و نه نفر کارکن) و صنایع بزرگ (صد نفر کارکن و بیشتر). بر اساس این طبقه‌بندی تشکیلات صنعتی صنایع کوچک مهتر از بقیه طبقات می‌باشند، به طوری که صنایع کوچک ۹۹ درصد کل صنایع را شامل می‌شود. در این کارخانجات حدود دو میلیون نفر کارکن (۱۶ درصد از کل نیروی کار کشور کنیا) در بیش از ۹۰۰ هزار کارگاه صنعتی کوچک کار می‌کنند. بیش از ۶۰ درصد از صنایع کوچک در زمینه تجارت و داد و ستد، در حدود ۱۳ درصد در بخش خدمات و ۲۷ درصد نیز در بخش صنعت می‌باشند. همچنین این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که یک طبقه متوسط گمشده در بخش صنعت و کارخانجات کنیا وجود دارد (Frijns.1999;969).

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بر همگان آشکار است، صنعتی شدن برای رسیدن به توسعه امری اجتناب‌ناپذیر است و به عنوان یکی از مهترین مراحل در امر توسعه، در هر مقیاسی، محسوب می‌شود. در روند صنعتی شدن، صنایع کوچک می‌تواند بهترین و مطمئن‌ترین راه لحاظ گردد. صنایع کوچک به واسطه ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند، از جمله: اشتغال‌زایی و کاربر بودن آنها، انعطاف‌پذیری، عدم نیاز به سرمایه زیاد، رفع عدم

تعدادهای منطقه‌ای، رفع نابرابری‌ها در توزیع درآمد و... می‌تواند نقش مهمی را در روند صنعتی شدن و رسیدن به توسعه ایفا کند. این گونه صنایع در کشورهای مختلف تعاریف متفاوتی دارند که با توجه به معیارهای کمی و کیفی تعیین می‌گردند. متأسفانه در تعریف صنایع کوچک در کشورمان ایران، با یک آشفتگی زیادی روبرو هستیم و هر سازمان برای خود تعریف جداگانه‌ای از این صنایع دارد که لازم است این امر در اسرع وقت اصلاح گردد. با توجه به منابع مادی و انسانی مورد نیاز برای این گونه صنایع، توجه به صنایع کوچک می‌تواند به عنوان یکی از مهترین استراتژی‌ها در امر توسعه لحاظ گردد. در بررسی تجارب سایر کشورها در امر صنایع کوچک، اهمیت این گونه صنایع در اقتصاد آن کشورها مشخص می‌گردد. لازم به ذکر است که این کشورها در صنعت و به خصوص صنایع کوچک به سمت خوشه‌های صنعتی حرکت نموده‌اند که این امر موجب پر اهمیت‌تر شدن صنایع کوچک گشته است.

## منابع و مآخذ

- ۱- تولائی. سیمین، (۱۳۷۵)، درآمدی بر مبانی جغرافیای اقتصادی (صنعت، حمل و نقل، انرژی)، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم، تهران
- ۲- تجربیات و راهکارهای عملی توسعه صنایع کوچک و صنایع خود اشتغالی (در پاره‌ای از کشورهای صنعتی و در حال توسعه) تهیه و تدوین وزارت صنایع - صنایع کوچک)، کتابخانه سازمان شهرک‌های صنعتی و صنایع کوچک
- ۳- رحمانی. بیژن، (۱۳۷۵)، بنیادهای جغرافیایی اقتصادی ایران، انتشارات علوی
- ۴- رفیعی. مینو، (۱۳۶۰)، اقتصاد: مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران
- ۵- زیاری. کرامت‌ا...، (۱۳۸۳)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ سوم، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
- ۶- سازمان مرکزی تعاون کشور، (۱۳۷۵)، جایگاه واحدهای کوچک صنعتی، کیهان، تهران
- ۷- سن. آمارتیاکومار، (۱۳۸۵)، توسعه یعنی آزادی، ترجمه سید محمد سعید نوری نائینی، چاپ دوم، نشر نی
- ۸- شفیع‌ی. سید مسعود، (۱۳۸۷)، صنایع کوچک، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، دو هفته‌نامه صنعت‌ساز، شماره ۱۴۷
- ۹- شوماخر. ای. اف، (۱۳۷۲)، کوچک زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی، مترجم علی رامین، تهران، انتشارات سروش
- ۱۰- صباغ کرمانی. مجید، (۱۳۸۰)، اقتصاد منطقه‌ای، انتشارات سمت
- ۱۱- صحرائیان. مهدی، (۱۳۸۰)، سازماندهی صنایع کوچک، تهران، انتشارات معارف
- ۱۲- صرافی. مظفر، (۱۳۷۷)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ۱۳- صنایع کوچک و اقتصاد در حال توسعه هندوستان، (۱۳۶۶)، مترجم جهاد استان فارس، دفتر مرکزی جهاد سازندگی
- ۱۴- فرهنگ. منوچهر، (۱۳۵۱)، زندگی اقتصادی در ایران، تهران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی
- ۱۵- کلاتری. خلیل، (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، نشر کوثر
- ۱۶- مابوگونج. آکین، (۱۳۶۸)، توسعه منطقه‌ای روش‌های نو، مترجم: عباس مخبر، تهران، وزارت برنامه و بودجه
- ۱۷- مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، (۱۳۷۲)، چاپ اول، انتشارات وزارت صنایع و معادن

- ۱۸- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۴)، فرهنگ تعاریف و مفاهیم به کار رفته در طرح‌ها و گزارش‌های آماری، جلد ۵، تهران
- ۱۹- مهندسین مشاور فرهاد، (۱۳۸۱)، معیارها و ضوابط ساماندهی صنایع و خدمات شهری، جلد اول: مبانی و مفاهیم، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور
- ۲۰- میر. جرالدم، (۱۳۷۸)، مباحث اساسی اقتصاد توسعه، جلد دوم، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر نی
- ۲۱- وزارت اقتصاد و دارایی، (۱۳۷۶)، بررسی تحولات صنعتی، تکنولوژیکی کشور در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۷۲، چاپ اول، تهران
- ۲۲- وزارت صنایع، (۱۳۷۶)، هشت سال تلاش صنعت، وزارت صنایع، تهران
- ۲۳- وزارت جهاد سازندگی، (۱۳۷۴)، معاونت عمران و صنایع روستایی، به گزارش هفته دولت

## منابع انگلیسی

- Abraham, J. (1994); Rural Industry and Industrialization in Developing Economy Indian experience
- Berry, A. & Mazumdar, D. (1991). Small-scale industry in the Asian-Pacific region. Asian-Pacific Economic Literature, 5, 35-67
- Frijns, Jos, (1999). World Development. Vol. 27, PP967-983, Printed in Great Britain journal of reconstruction. Vol 27
- Hill, H. (2001). Small and medium enterprises in Indonesia: old policy challenges for a new administration. Asian Survey, 41, 248-270

## منابع اینترنتی

- [http://ec.europa.eu/enterprise/enterprise\\_policy/sme\\_definition/sme\\_user\\_guide.pdf](http://ec.europa.eu/enterprise/enterprise_policy/sme_definition/sme_user_guide.pdf)
- [http://www.sciencedirect.com/science?\\_ob=ArticleListURL&\\_method=list&\\_ArticleListID=1037907340&\\_sort=r&view=c&\\_acct=C000052584&\\_version=1&\\_urlVersion=0&\\_userid=1400234&md5=5610eabf88a7829eb7bb2ff1f2ee83f1](http://www.sciencedirect.com/science?_ob=ArticleListURL&_method=list&_ArticleListID=1037907340&_sort=r&view=c&_acct=C000052584&_version=1&_urlVersion=0&_userid=1400234&md5=5610eabf88a7829eb7bb2ff1f2ee83f1)
- <http://www.sciencecenter.ir/index.phpnewsid=1614>
- <http://www.jobportal.ir>
- <http://www.imi.ir>